

گزارش قفسه کتاب از نشست «زایش

انعکاس زنانگی

شکسته شود که ادبیات مقاومت بیرون از بازار نباشد، بلکه در متن بیاید و در متن مبارزه کند. امروز مسأله اصلی ما ایران و تهران است. ایرانی امروز حس مشارکت در این جنگ بزرگ را ندارد.

محمدقائم خانی

ما هیچ نسبیتی با مقاومت نداریم!

نکته جالب این است که نقطه پایان رمان، لب مرز در لبنان است و جالب تر این که کسی را آن طرف مرز می بیند که انتظار ندارد. او با کسی مواجه می شود به عنوان روشنفکر که ناخودآگاه به نظر می رسد یک پیوند ناگستنی بین لبنان



وفلسطین وجود دارد. در جهان عربِ برساخته، جز آوارگی چیزی وجود ندارد، ولی لبنان نقطه اتصال است.

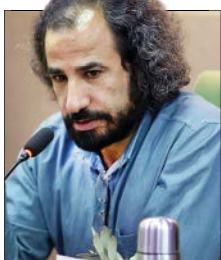
درخصوص زایش متن باید بگویم ما اهل مقاومت در زندگی نیستیم. ما هیچ نسبیتی با مقاومت نداریم! سودآوری بازار یا سر خم کردن متن برای فروش، اینجا همه حیثیت متن را تعیین می کند. یکی هم شاخص بودن ایدئولوژی است. ما نمی توانیم در جریان بازار و ممیزی و ایدئولوژی حاکم مقاومت کنیم. ما درباره دفاع مقدس هم متن نداریم، متنی که در آن زنده باشیم. ما از وقتی قرارداد می بندیم مرده ایم.

وقتی پیشنهاد نوشتن درباره مقاومت دریافت می کنیم، باید مقاومت از همین جا باشد و هم چنین در مقابل ایدئولوژی مقاومت کنیم. بعدا اگر توانستیم این کار را کنیم، آن وقت می رویم سراغ فلسطین و مقاومت، وگرنه نمی شود کسی که اهل مقاومت باشد به فلسطین توجه نکند.

علی اصغر عزتی پاک

زبانمان از فلسطینی ها دور است

نباید هیچ معارفی از این روزگار از دست برود. ما مرز و زبانمان از فلسطینی ها دور است ولی امروز از اولین مصائب مان شده است.



سمیه عالمی

خانه شان خراب شده

اما زندگی می کنند

زنان روی ویرانه ها درخت می کارند و زایش دارند. نقش زنان در حفظ اتصالات بسیار پررنگ است. کتاب طنز پوره زنانگی های ریزی دارد. کلیدی که زنان حمل می کنند دست به دست به ارث می رسد. آنها فقط



خانه هاشان خراب شده اما دارند زندگی می کنند.

نکرده، چطور از چهره انسان فلسطینی بنویسیم؟ ما اگر بخواهیم برای فلسطین کاری کنیم، ما جرای خودمان را باید عوض کنیم. از سیاست به سمت الهی و حتی اجتماعی برویم. مسأله باید وجودی شود و به مرز فرهنگی، الهی، اجتماعی برود. این اصلی ترین مسأله است.

ما فلسطین را نمی شناسیم. حتی در جهان عرب فلسطینی ها، دیگری هستند.

سید حسین شهرستانی

در متن مقاومت زندگی شکل می گیرد

آوارگی انسان فلسطینی به جهان هم سرایت کرده است، ما باید عمیق و پدیدارشناسانه انسان فلسطینی را بشناسیم. اشغال، یک لحظه نیست که بمبی خانه ای را ویران کند، بلکه در همه ابعاد زندگی اشخاص حضور دارد. از طرف



دیگر، باید انسان یهودی را بشناسیم. مشخصا در مرکز شناخت آوارگی یهودی، این انسان آواره سرگردان را که با هیچ چیزی اخت نمی شود، باید بیشتر بشناسیم.

این ها خودشان را با فرقه سازی و به شکل های مختلف بازسازی می کنند. یهودیت، نژادی است که با تولیدمثل زیاد نمی شود، بلکه هرکسی را در هر حالتی که هست شبیه خودش می کند. او کسی را دعوت نمی کند. یهودیت در جلد آدم ها می رود. در روایت ها است که شما همه ابتلائات یهودیت را پیدا می کنید. این از توطئه و نقشه نیست. ما خودمان این یهودیت را درونمان داریم. باید مراقبت از این امر بشود که چطور می توان فاصله را از یهودیت حفظ کرد.

پیوند ما با فلسطین حمایت اصولی است که باید عاطفی بشود، مثل کسانی که همدیگر را می شناسند. فلسطین برای ما یک مفهوم سیاسی و ایدئولوژیک است.

در پاسخ به این پرسش که چرا در ادبیات ما گفتمان مقاومت تحقق پیدا نمی کند، باید بگویم: موقعیت مقاومت در ظاهر یک موقعیت ضد زندگی است. سیاست زندگی مقابل سیاست مقاومت است. مقاومت انسان را از زندگی عادی خارج می کند. مقاومت یک پیش شرط نیست؛ در متن مقاومت زندگی شکل می گیرد.

زن در صحنه مقاومت، حفظ زندگی است. زن با حفظ تداوم، جهان را می فهمد. زنان روی ویرانه ها آلودگی می سازند و زندگی جریان پیدا می کند؛ این ویژگی زن شرقی است. درواقع زن، هولناکی حادثه را هضم پذیر می کند. این امر زنانه خیلی عجیب و غریب است.

مرگ یعنی امر کلی که مردان با این مفهوم آشنا ترند، زنان در جریان سیال زندگی هستند و باعث تعامل پذیری و گفت و گوپذیری می شوند. زنان ایرانی هم این ویژگی را دارند؛ آنها با حفظ زنانگی بدون تبدیل شدن به یک چریک می توانند تغییر ایجاد کنند. در جمع بندی باید بگویم ما مهیا نیستیم. مسأله فلسطین کجای زندگی انسان ایرانی است؟ باید از بازار خود خواسته خود بیرون بیاییم.

باید بتوانیم از این هنر ملی و حماسی مواظبت کنیم. باید ادبیات مقاومت را به ادبیات ملی ایران تبدیل کنیم. باید این سطح

اشاره: در آستانه هفتم اکتبر و حوادث طوفان الاقصی، نشست «زایش متن در گفتمان مقاومت» با محوریت کتاب «من پناهنده نیستم» به قلم رضوی عاشور و به ترجمه اسما خواجه زاده، با حضور نویسندگان حوزه مقاومت برگزار شد. این رویداد به عنوان دومین کنش ادبی-اجتماعی انجمن ادبی خورشید در خصوص مسائل منطقه بود که مصادف شد با شهادت حجت الاسلام سیدحسن نصرالله، روحانی شیعه و سومین دبیرکل حزب الله لبنان. معصومه امیرزاده دبیری این نشست را برعهده داشت. این هم اندیشی در حوزه مقاومت، دومین نشست انجمن ادبی خورشید بود که به کار خود پایان داد.

سال پیش نشست بین المللی کوران بیکرانه، با هدف تبیین نسبت ادبیات با رخداد های منطقه توسط این انجمن به دبیری مریم مطهری راد برگزار شد. گفتنی است انجمن ادبی خورشید بنادارد این قبیل نشست ها را با هدف هم افزایی اندیشه ورزانه، برای کمک به دریافت موضعی شفاف برای اهالی قلم و ایجاد یک قالب فکری اصولی، ادامه دهد.



ابراهیم اکبری دیبگاه

زنانگی این کتاب شکلی از مقاومت رابه مای آموزد

ادبیات اصیل، تقلای خیر در مقابل شر است؛ این معنا همیشه در ادبیات اصیل موجود است. در تاریخ بشر همیشه جنگ و مبارزه و غلبه بوده و اساسا ذات جنگ غالب و مغلوب شدن است، منطق غالب و مغلوب این



است و بشر با این منطق زیسته؛ استثنایی که در تاریخ بشر بوده، مواجهه امر جنگ با دیگری است.

یهود یا انسان یهودی که برآمده از کتاب عهد عتیق است می گوید ما با منطق جنگ کاری نداریم؛ سرزمینی که می خواهیم تصاحب کنیم باید پاک باشد.

در این منطق است که اساسا مقاومت خودش را نشان می دهد و در این معنا است که انسان ها تلاش می کنند و انسان فلسطینی تقایش بر این است که پاک نشود.

کتاب من پناهنده نیستم می گوید انسان فلسطینی تلاش می کند پاک نشود، حذف نشود. اولین ویژگی این کتاب لحن زنانه آن است و زنانگی این کتاب شکلی از مقاومت را به ما می آموزد که مخصوص انسان فلسطینی نیست، بلکه آموزه ای است برای همه انسان های جهان.

من معتقدم ماجرا خیلی عمیق تر است. انسان ایرانی هنوز خودش را نمی شناسد. اگر خودش را نشناسد، دیگری را هم نمی تواند بشناسد. مسأله فلسطین برای انسان ایرانی سیاسی است؛ در حالی که پیش از این، مسأله ی فلسطین یک مسأله الهی بوده است. اگر این طور نبود، خیلی رسا درباره این موضع صحبت می شد.

وقتی در رمان خودمان می بینیم هنوز چهره انسان ایرانی بروز